بخش پایانی

لازمه شاد بودن

گفت و گو با منصور بهرامی روانشناس و عضو انجمن بین المللی تحلیل رفتار متقابل

در شماره دیروز بخش نخست گفت و گو با منصور بهرامی روانشناس و عضو انجمن بین المللی تحلیل رفتار متقابل درخصوص « شادی» درجامعه چاپ شد، بخش دوم و پایانی آن درپی می آید:

علی دوستی، سمیه صیادی فر

چه طور می توان به بالا بردن سطح شادی در جامعه کمک کرد؟

از دیدگاه تحلیل رفتار، ساختار جامعه مانند ساختار خانواده است و ساختار خانواده نیز شبیه ساختار فرد است. در نتیجه ساختار جامعه شبیه ساختار فرد است. جامعه ای که شاد نیست، درست مانند انسانی است که شاد نیست. اما چرا شاد نیست؟ چون ارزشها، تعصبات، اعتقادات به نحوی شادیها و کودک درون او را مخفی کرده است. پس در جامعه هم مخفی شدن شادیها به همین صورت است. در بسیاری از جوانها می بینیم که یک حالت دوگانگی به وجود آمده است. یعنی در بیرون لبخند نمی زنند اما به محض دور شدن از محیط، شروع به خندیدن می کنند. متأسفانه، تفاوت رفتار فرد در محیط های مختلف مانند مدرسه، اجتماع و خانه آنقدر زیاد است که سبب تزلزل شخصیت او می شود و در نهایت این تزلزل شخصیتی به جامعه نیز سرایت می یابد. ما برای اینکه در سطح جامعه میزان شادی را بالا ببریم، باید از افراد و خانواده ها شروع کنیم. اگر افراد و خانواده ها شاد باشند، در نهایت جامعه شادی نیز خواهیم داشت. شادترین کشور دنیا هندوستان است. این موضوع برای من غیر قابل تصور بود. چون فکر می کردم که همه افراد در این کشور مشکل مالی دارند. پس این نشان می دهد که داشته ها عامل ایجاد و ابراز شادی نیستند. بلکه بودن ها هستند که عامل شادی اند. افرادی که با وجود مشکلات زیاد، همچنان شادی های خود را ابراز می کنند، کودک درونشان را هست. در واقع ترمزهای شادی در چنین جامعه ای وجود ندارد و هرکسی شادی های مخصوص به خود را انجام می دهد. تا هنگامی که کودک درون شادی اش را ابراز کند، افراد دل زنده اند. دلمردگی ناشی از پنهان شدن کودک درون است. پس برای بالا بردن شادی در سطح جامعه، ابتدا باید خانواده های شادی داشته باشیم. تنها نسخه برای بالا بردن سطح شادی در جامعه، تعدیل کردن ترمزهای ارزشی است. البته ناگفته نماند که در برداشتن ترمزهای ارزشی تعادل باید رعایت شود.

چرا بعضی از افراد با وجود مشغله زیاد کاری، باز هم شادی های خود را بروز می دهند یا حس شوخ طبعی خود را حفظ می کنند؟

پاسخ به این سؤال برای افراد مختلف، متفاوت است. گاهی اوقات من با آگاهی از مشکلات مالی که دارم، به فعالیت بیشتری می پردازم، اما سعی می کنم در محیط کارم نیز تفریح و شادی خود را داشته باشم. حتی خود کار برای من شادی آفرین می شود. این به دلیل علاقه من به کاری است که انجام می دهم و چون خودم را در این کار مفید می بینم، ثمره این کار هم برایم جذابیت دارد و باعث شادی ام می شود.

آیا جامعه ما افسرده است؟ چرا؟

به نظر من جامعه ما یک درجه از افسردگی نیز پایین تر است و حالت بیمارگونه افسردگی دارد.

اگر برای مثال به رنگ لباس مردم جامعه خودمان توجه کنید، می بینید که اغلب از رنگ های تیره و خسته کننده استفاده می کنند. همه این رنگ ها از نظر روان شناسی و روحیات فردی، تعریف دارند. این باعث می شود روحیه افراد و جامعه، روحیه ای افسرده، خسته و دلمرده باشد.

ما اگر بخواهیم شادی هایمان را تعریف کنیم، خیلی با احتیاط و به سختی آنها را بیان می کنیم تا به ما برچسب نزنند. صحبت هایی که اکثر ما با هم داریم، رنگی از اندوه، بدبختی و ناامیدی دارد. در واقع کودک درون جامعه ما کودک شادی نیست. شما فکر می کنید، چرا بعد از یک مسابقه فوتبال، بعضی افراد به تخریب می پردازند و شادی های تهاجمی و ناهنجار از خود نشان می دهند.

چرا بعضی از افراد برای شاد بودن، به راههای انحرافی کشیده می شوند؟

شاید ریشه های بیشتر این ناهنجاریها را باید در کودکی آنها جست وجو کرد. این تمایل به راههای انحرافی، به یک باره ایجاد نمی شود. جوانی که در خانواده اش، مشکلات فامیلی روانی داشته است، برای مثال دعواهای مکرر پدر و مادر و تهدیدهای هر کدام از آنها به جدایی، جو ناامنی را در خانه ایجاد می کند. همین فرد وقتی به بلوغ روانی می رسد، برای جبران نا امنی های خانوادگی، جذب گروههای همسن و سال خود شده و برای اثبات با ارزش بودن کارهایی که مربوط به سن و سال خودشان نیست، انجام می دهند. هر جا که افراد به دنبال کمال گرایی افراطی باشند، به نوعی به سمت انحراف سازها جذب می شوند. هر نوع کمال گرایی از دید روان شناسی، بیمارگونه است. زمانی که افراد به سمت انحراف سازها می روند، شادی ایجاد شده نیز، شادی کاذب است. از طرف دیگر، افراد به سمت ایجاد شادی و بروز شادمانی از راه انحراف سازهایی می روند که مخالف و مغایر با ارزشهای والدینشان است.

چه کاری باید انجام دهیم تا کودک درون ما، در دوران بزرگسالی نیز همچنان شاد باقی بماند؟

باید اجازه خیلی از ابراز شادی ها را به خودمان بدهیم. نگوییم این کار زشت است! آن کار بد است! بروز شادی در سنین مختلف ممکن است اشکال گوناگونی داشته باشد(به صورت هنجار یا ناهنجار) مثلاً سرعت بسیار بالا در رانندگی، داشتن ظاهری غیر عادی، عواملی هستند که افراد از طریق آن به صورت ناهنجار به ابراز شادی می پردازند. یا اینکه افراد با شرکت در مسابقات مختلف جهانی به صورت هنجار به بروز شادمانی و شخصیت خود می پردازند. در تحلیل رفتار، کودک درون نباید احساس «تو خوب نیستی» داشته باشد. در این صورت این فرد یا منزوی می شود و یا طبق غریزه گروه گرایی خود، جذب گروههایی می شود که خوب بودنش را ثابت کند و در اینجا او خوب بودنش را در رفتار منفی پیدا می کند. برای اینکه جوان در محیط جامعه احساس شادی کند، باید در جامعه پذیرفته شود و همه جا او را سرکوب نکنند. اگر پای صحبت بسیاری از جوانان بنشینیم، در واقع آنها خواسته های زیادی ندارند، ولی چون همین خواسته های کم، بی پاسخ مانده، بنابراین شکلی تهاجمی پیدا کرده است.

حال برای جامعه ای که حتی به نظر شما از حد افسردگی هم پایین تر است، چه کاری می توانیم انجام دهیم، که بروز شادمانی در آن امکان پذیر شود؟

ما برای اینکه جامعه را شاد کنیم، باید از ارزش هایی که حذفشان آسیبی نمی رساند و به نوعی اهرم فشار برای بروز شادی محسوب می شوند را حذف کنیم. مثال این قضیه، نفی شادی و نوعی ابراز آن به صورت دست افشانی در مساجد است. مثلاً گفته می شود مسجد جای دست زدن نیست! ما اصلاً اعتقادمان چیز دیگری است. اگر قرار است اندوه ما در مسجد باشد، شادی ما نیز باید در مسجد باشد. برای اینکه به تعادل برسیم، نباید مرزبندی کنیم. ما بیشتر اوقات وقتی به محیط روحانی مثل مسجد می رویم، غم از آن محیط می بارد. زیرا همیشه افراد در آن از غم و غصه و بدبختی می شنوند و یا مجالس سوگواری در آن برگزار می شود. در صورتی که کسانی که به عنوان پیشکسوت و رهبر مذهبی ما هستند اینها آدم هایی نبودند که همیشه غمگین و غصه دار باشند. مثلاً پیامبر بزرگ ما حضرت محمد(ص)، کودکان را بر دوش خود سوار کرده و به بازی با آنها می پرداخته است. وقتی رهبر بزرگی چون ایشان، کودک درونشان این قدر رها بوده، چرا کودک درون ما نباید رها باشد. بخشی از حبس شادی ها در جامعه ما به خاطر همین ترمزها است.

اگر در جامعه شادی های جمعی داشته باشیم، به رفع افسردگی حاکم بر محیط بسیار کمک کرده ایم.

اگر به شادی جنبه منفی داده شود، آن وقت هیچ گاه در جامعه انتشار نمی یابد. ما باید مجالی برای برگزاری شادی های جمعی ایجاد کنیم. متأسفانه در جامعه ما همه مسائل و از جمله شادی، سیاست زده است. هرقدر گروههایی که برگزار کننده شادی هستند، بزرگتر باشند، بالطبع شادی ایجاد شده هم بیشتر و تأثیر گذارتر است. طی تجربه سفر به خارج از کشور، یکی از دوستان من که به میهمانی دعوت بود مرا نیز با خود به آن جشن خودمانی برد. در آنجا اول از همه نام من را پرسیدند و بر روی لباسم وصل کردند تا همگی با من آشنا شده و بتوانیم با هم رابطه صمیمانه برقرار کنیم. برای من که در جامعه خودمان بار آمده بودم، اگر شناختهای روانشناسی نداشتم، کار آنها بسیار بی معنی بود. شاید آنگاه با خود می گفتم اینها مگر بیکارند که کنار پیاده رو دور هم جمع شدند و با هم بی جهت شادی می کنند! شادی نیاز به وسایل و شرایط خاصی ندارد. در واقع ابراز شادی و برگزاری جشن ها در جامعه ما، محدود شده است. متأسفانه، به دلیل هنجار شکنی بعضی از آدم ها، شادمانی افراد دیگر نیز محدود می شود. یعنی برای برگزاری جشن ها آن قدر شرط و شروط گذاشته می شود که افراد دیگر شور و حالی برای برگزاری جشن و شادی ندارند. به نوعی می توان گفت با این شرایطی که به وجود می آورند، شادی محدود و محبوس شده و در نتیجه جامعه ای افسرده، خشمگین و پر از اضطراب و درگیری شکل می گیرد.

به عبارت دیگر می توان گفت: زمانی که نور نیست، تاریکی خودش را نشان می دهد. زمانی که شادی نیست، افسردگی و غم خودش را نشان می دهد. اصلاً لزومی ندارد ما به دنبال رفع غم و افسردگی برویم. کافی است جو شادمانی و ابراز شادی را در جامعه به وجود آوریم، آنوقت خود به خود غم و اندوه نیز مجالی برای ابراز وجود نمی یابد.

آیا از دیدگاه روان شناسی می توان گفت: خنده معجزه می کند؟

از نظر روان شناسی، دگرگونی که پس از خندیدن در انسان به وجود می آید، باعث معجزه در درون او می شود. من معتقدم اگر کسی اعتقاد به این قضیه داشته باشد، در درون اوست که معجزه ایجاد می شود. یعنی خنده خودش معجزه نیست، بلکه خنده همان عامل ایجاد دگرگونی و معجزه در وجود فرد است.

از دیدگاه روان شناسی تأثیرات شادی بر روابط اجتماعی افراد چیست؟

انسان دو نوع نیاز دارد: نیاز جسمانی (بیولوژیکی) و نیاز به توجه و نوازش (شادی).

اگر ما از انسان نیاز به توجه و نوازش را بگیریم و به آن توجه نکنیم، خود به خود شادی را از او گرفته ایم و سبب ایجاد انزوا در او خواهیم شد. ارتباطات انسانی (من خوب هستم، تو خوب هستی)، یک ارتباط متقابل است که نوازش بی قید و شرط به یکدیگر می دهیم. یعنی من به کسی توجه کنم چون ...، این توجه، توجهی شرطی است. ارتباطات نباید شرطی باشد. ارتباطات بین انسان ها باعث می شود ذخیره نوازشی افراد افزایش پیدا کند و حتی می تواند از این ذخیره نوازش و شادی، در موقعیت های مختلف وحتی در هنگام تنهایی، استفاده کرد و احساس خوبی داشت. به صورتی دیگر نیز می توان این قضیه را بررسی کرد. افرادی که رابطه اجتماعی با دیگران برقرار نمی کنند، انسان هایی افسرده و منزوی هستند، اما چرا آنها این گونه اند؟ به این دلیل که در محیط اطراف خود شادی ندیده اند. وقتی انسان شادی را درک نمی کند، خود به خود به سوی افسردگی کشیده می شود.

گفت و گو با اصغر مبارکی کارشناس خزندگان

محافظت از لاک پشت های دریایی

سام خسروی فرد

لاک پشت های دریایی جانورانی عظیم الجثه اند که در بسیاری از داستانهای خیال انگیز جایگاهی ویژه دارند. در حالی که میزان دانستنی های علمی و پژوهشهای مربوط به چگونگی زیستن آنها از داستانهایی که درباره آنها ساخته و پرداخته شده بسیار محدودتر است.

آنچه مسلم است استفاده های مختلف از این جانوران و تخم آنها باعث شده نسل لاک پشت های دریایی به شدت در معرض انقراض قرار گیرد. سازمانهای مختلف و افرادعلاقه مند فعالیتهایی را در گوشه و کنار جهان برای حفاظت این جانوران به اجرا گذاشته اند. مثلاً سال گذشته در فلوریدای آمریکا گروهی با جمع آوری تخم لاک پشت ها مقابله کردند، در ایران نیز چنین روشهایی به کار گرفته می شود اما تا عزمی جهانی برای حفاظت این گنجینه های گرانبها به وجود نیاید نمی توان به آینده لاک پشت های دریایی چندان امیدوار بود. مدتی است توجه به این جانوران در ایران و جهان بیشتر شده و فعالیتهایی نیز برای حفظ نسل آنها در دستور کار مجامع ملی و بین المللی قرار گرفته است، به عنوان نمونه در منطقه جنوب شرق آسیا همکاری مشترکی براساس یک یادداشت تفاهم به مورد اجرا گذاشته می شود. این یادداشت تفاهم امسال را «سال لاک پشت های دریایی» در منطقه اعلام کرده است.

اصغر مبارکی، کارشناس آبزیان سازمان حفاظت محیط زیست در گفت وگویی با «ایران» درباره لاک پشت های دریایی، سال لاک پشت ها و حفاظت این جانوران بیشتر توضیح می دهد.

چه تعداد لاک پشت دریایی تاکنون در ایران و جهان شناسایی شده است؟

لاک پشت های دریایی گروه خاصی از مهره داران و خزندگان هستند که دریاهای گرم و اقیانوسها محل زیست آنها را تشکیل داده است. تاکنون هفت گونه لاک پشت دریایی در جهان شناسایی شده که بجز یکی - آن هم به دلیل کمبود اطلاعات - در معرض خطر انقراض بودن بقیه ثابت شده است.

از میان لاک پشت های موجود در دنیا ۵ گونه در سواحل خلیج فارس و دریای عمان شناسایی ومشاهده شده اند؛ لاک پشت سبز، عقابی، سرخ، زیتونی و چرمی این پنج گونه اند. اما در قسمتهای شمالی سواحل خلیج فارس و دریای عمان یعنی در سواحل ایران وجود دوگونه سبز و عقابی کاملاً به اثبات رسیده است که اولی در خطر انقراض و دومی در آستانه انقراض و نابودی قرار دارد.

همچنین براساس مشاهده لاشه لاک پشت زیتونی در خلیج گواتر احتمال وجود این جانور در آبهای ایران وجود داشت تا این که سال گذشته در مناطق غربی تر گواتریعنی اطراف چابهار دو لاک پشت زیتونی زنده را گرفتیم.

اهمیت این جانوران چیست؟ اگر منقرض شوند چه اتفاقی می افتد؟ به عبارت دیگر اگرچنین جانوران غول آسایی که به تعبیر بعضی ها زشت هم هستند در جهان وجود نداشته باشند چه خواهد شد؟

اهمیت این جانوران از نظر اکولوژیکی مثل بقیه گونه هاست. یعنی هرگونه ای نقش و وظیفه خاصی را در اکوسیستم به عهده دارد که گونه دیگر قادر به ایفای آن نیست. به علاوه لاک پشت های دریایی سبب افزایش چرخه مواد غذایی داخل آب می شوند، امروزه ثابت شده هرچه این چرخه طولانی تر باشد اکوسیستم شرایط پایدارتری خواهد داشت. همچنین حفظ تعادل بین گونه ها، باروری زیستگاه های آبی بخصوص علف های دریایی و مرجانها و کنترل گونه های مهاجم از جمله وظایف لاک پشت ها به شمار می رود که بسیاری از محققان روی آنها تأکید می کنند.

یکی دیگر از ویژگی های لاک پشت های دریایی، طبیعت به شدت مهاجر آنهاست. یعنی ممکن است محل تغذیه آنها با محل تولید مثلشان کیلومترها فاصله داشته باشد. این عامل باعث شده مدیریت و حفاظت آنها با مشکلاتی جدی مواجه شود.

چرا که ممکن است در یک نقطه برنامه ای منسجم برای مدیریت و حفاظت آنها اجرا شود اما در طول مسیر مهاجرت هیچ نظارت و پایشی وجود نداشته باشد و در کشوری که در مسیر مهاجرت این جانوران قرار دارد هیچ ضابطه، مقررات و قانونی برای حفاظت آنها اعمال نشود.

آیا برای حفاظت لاک پشت های دریایی توافقی جهانی وجود دارد؟

در واقع به دلیل ثابت بودن این جانوران در مرزی مشخص یا نقطه ای خاص سبب شده مجامع علمی بر روی مدیریت منطقه ای و بین المللی این جانوران تأکید کنند. این تأکید بر روی مهاجرت تولید مثلی توجهی خاص دارد. به عبارت دیگر لاک پشت ها در نقطه ای تغذیه می کنند ودر نقطه ای دیگر تولیدمثل و لانه سازی. این دو نقطه ممکن است کیلومترها با هم فاصله داشته باشد.

این نظریه که لاک پشت ها همان جایی تخمگذاری می کنند که به دنیا آمده اند صحیح است؟

این موضوع تأیید شده واز عادات معمول لاک پشت های دریایی است. البته عواملی مثل قوه جاذبه زمین وترکیب شیمیایی ساحل و آب که در سیستم فیزولوژی آنها نشانه گذاری می شود نیز تأثیر دارد.

یعنی این اطلاعات به صورت ژنتیکی منتقل نمی شود؟

در منابع موجود تحقیقاتی که تاکنون منتشر شده به عوامل ژنتیکی اشاره ای نشده است.

لاک پشت های دریایی در چه سنی بالغ می شوند؟

این جانوران جزو گونه هایی هستند که بلوغ دیرهنگام دارند. سن بلوغ به نوع زیستگاه، نوع گونه و حتی تغذیه آنها بستگی دارد. محققان کار کشته عقیده دارند بین ۳۰ تا ۴۰ سالگی این جانوران بالغ می شوند و پس از آنها ۲۰ تا ۳۰ سال توان تولید مثل دارند. بسته به نوع گونه هر دو یا سه سال یکبار لانه سازی و تخمگذاری می کنند. در هر فصل لانه سازی نیز ممکن است سه، چهار و یا حتی شش بار فاصله دو هفته به ساحل بیایند و تخمگذاری کنند.

عمر این جانوران چقدر است؟

چون نظارت و پایش مستمری روی آنها صورت نگرفته نمی توان به عدد دقیقی اشاره کرد، اما سن آنها بین ۶۰ تا ۷۰ سال برآورد می شود.

یعنی ۳۰ تا ۴۰ سال طول می کشد تا به قدرت باروری برسند و ۲۰ تا ۳۰ سال هم این ویژگی ادامه دارد که در مجموع و البته به طور میانگین رقم ۶۰ تا ۷۰ سال را برای سن این جانوران در نظر می گیرند.

تکنولوژی و روش خاصی برای ردیابی و نظارت این جانوران وجود دارد؟

مهمترین روش، علامتگذاری است که با استفاده از پلاکهای خارجی - پلاکهایی به بیرون بدن نصب می شود - انجام می گیرد. پلاک گذاری روش متداولی است روی پلاکها شماره و آدرس حک شده و پلاک بر روی یاقه نصب می شود.

یک سیستم پیشرفته نیز وجود دارد که فرستنده ای ماهواره ای روی بدن جانور نصب می شود، به این ترتیب مسیر مهاجرت و نقاطی که جانور توقف می کند با استفاده از ماهواره مشخص می شود. این روش بیشتر کاربردی مقطعی دارد. چون هزینه اش بسیار زیاد است واحتمال از بین رفتن فرستنده بسیار بالا. اما به صورت پایه ای بر روی پلاک گذاری تأکید می شود.

این پلاکها از بین نمی روند، نمی افتند، به عبارتی به سازمانهای ذیصلاح توسط صیادان عودت داده می شوند؟

جنس این پلاکها معمولاً به گونه ای است که زنگ نمی زنند، قفل می شوند و به سختی ممکن است بیفتند. اما احتمال افتادن و گم شدن نیز وجود دارد. اما اگر در ایران پلاک گذاری شود و مثلاً در عمان جانور در تور بیفتد مشخص می شود که کی و کجا علامتگذاری شده و...

یعنی صیادان پلاکها را به سازمانهای مسؤول تحویل می دهند؟

معمولاً این کار را می کنند. البته به دنبال پلاک گذاری باید کارهای اطلاع رسانی و آگاه سازی جوامع محلی صورت بگیرد. به علاوه صیادان باید برای تحویل پلاکها تشویق شوند.

در ایران وضعیت چگونه است؟ آیا صیادان پلاکها را تحویل می دهند؟ آیا علامتگذاری انجام شده؟

تا سال پیش پلاک گذاری در ایران انجام نشده بود. خوشبختانه توانستیم سال گذشته با کمک یادداشت تفاهمی که امضا کردیم پلاکهای مشخصی برای ایران بگیریم با شماره خاص و آدرس سازمان حفاظت محیط زیست جنس این پلاکها از تیتانیوم است و از بهترین نوع پلاک باله ای به شمار می رود. در شیدور و نخیلو توانستیم تعداد محدودی از این پلاکها را نصب کنیم...

چرا محدود؟

از نظر زمانی و امکانات محدودیت داشتیم. این دو جزیره غیرمسکونی هستند و لازم است وسایل و امکاناتی در آنها فراهم می شد بخصوص که این عمل در ماههای گرم سال باید انجام شود. شرایط واقعاً طاقت فرساست. بنابراین به پشتیبانی نیاز دارد.

یادداشت تفاهمی که اشاره کردید چه بود؟

در بسیاری از مناطق جهان همکاری های مشترکی بین کشورها وجود دارد تا لاک پشت های دریایی مورد حفاظت قرار گیرند. اما در این ارتباط منطقه آسیا و اقیانوسیه هیچ تفاهم نامه ای نداشت. از حدود سه - چهار سال پیش که کنوانسیون گونه های مهاجر (CMS) تدوین شد برنامه ای را برای این منطقه تهیه کرد و در واقع بانی یادداشت تفاهم در اقیانوس هند و جنوب شرق آسیا شد. از بیشتر کشورهای منطقه دعوت کرد که این یادداشت تفاهم را امضا کنند و عضو آن شوند. عنوان کامل آن هم «یادداشت تفاهم حفاظت و مدیریت لاک پشت های دریایی و زیستگاه آنها در جنوب شرق آسیا» است اکثر کشورهای منطقه نیز به عضویت آن درآمده اند، البته این تلاشی است که دبیرخانه یادداشت تفاهم با جدیت آن را دنبال می کند. به عبارتی این یادداشت تفاهم یک برنامه مدیریتی و حفاظتی برای همه کشورها تعریف کرده و سعی دارد همه اعضا این برنامه را به صورت ملی در دستور کار خود قرار دهند؛ برنامه جامعی که بیشتر برحفاظت زیستگاه ها، انجام تحقیقات پایه و اولیه و کاهش عوامل مرگ و میر لاک پشت های دریایی تأکید دارد.

یکی از عوامل مرگ و میر این جانوران فعالیت های انسان است. از یک طرف برداشت تخم آنها در بسیاری از نقاط جهان و از جمله ایران رایج است. باورهای سنتی در خصوص خواص درمانی و افزایش قوای جنسی باعث شده علاوه بر آن که تخم این جانور مورد استفاده قرار گیرد، گوشت آن هم - علی رغم منع شرعی که دارد - خورده شود. عامل دیگر مرگ و میر، صید جانبی است که در تورهای صیادی به دام می افتند، تلفات بچه لاک پشت هایی که تازه متولد شده اند به این شیوه بسیار زیاد است. برخی اوقات نیز مادرانی به تور می افتند که برای تخمگذاری در حال مهاجرت هستند. در نهایت این که برنامه ریزی مدیریتی جامع و فراگیر می تواند چنین عواملی را کاهش دهد.

چه گونه هایی از لاک پشت های دریایی در ایران تخمگذاری می کنند؟

مهمترین و بیشترین گونه ای که در کشور تخمگذاری می کند لاک پشت عقابی است؛ گونه ای که از نظر انقراض در شرایط بحرانی به سر می برد. در آبهای ایران این گونه به طور عمده جزایر خلیج فارس را برای تخمگذاری انتخاب می کند. گزارشهایی مبنی بر این که در سواحل دریای عمان نیز تخمگذاری می کند وجود دارد اما بررسی های چند سال اخیر ما این موضوع را روشن نکرد و موردی مشاهده نکردیم. لاک پشت عقابی بیشتر در جزایر استان بوشهر و هرمزگان مثل لاوان، قشم، شیدور، هنگام، هندورابی، نخیلو و ام الکرم تخمگذاری می کند. گزارش هایی درباره تخمگذاری لاک پشت سبز در ایران نیز وجود داشت اما هیچ گاه به طور مستند ثبت نشده بود تا اینکه دو سال پیش در سواحل حوزه شهرستان چابهار یک لاک پشت سبز را هنگام تخمگذاری دیدیم، ۶۰ کیلوگرم وزن داشت.

امسال چه برنامه هایی برای لاک پشت ها دارید؟

یادداشت تفاهمی که به آن اشاره کردم امسال را سال لاک پشت های دریایی اعلام کرده است. بیشترین تمرکز آن فعالیت های ترویجی - آموزشی و جمع آوری اطلاعات اولیه است. بسیاری از پیشنهادهای ما در این خصوص از طرف معاون محیط طبیعی و مدیر کل حیات وحش آبزیان سازمان حفاظت محیط زیست مورد موافقت قرار گرفت. به عنوان نمونه قرار شد یک شماره از مجله محیط زیست به طور کامل درباره لاک پشت ها باشد. این کار در واقع به فراهم شدن اطلاعات اولیه و ترویج آن کمک می کند. به علاوه سعی می کنیم ارتباط مؤثری با سازمانهای ذیربط برقرار کنیم و با رسانه ها نیز همکاری بیشتری داشته باشیم تا توجه عموم نسبت به این موضوع جلب شود. چون ممکن است صیادان برای لاک پشت به دام افتاده اهمیتی قائل نباشند اما وقتی آگاهی شان افزایش یافت و متوجه شدند این جانوران چه نقش مفیدی در اکوسیستم آبی دارد نوع دیگری با آن رفتار می کنند.